

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: تربیت فرزند ۱

تاریخ: ۲۵ آذر ۱۳۹۱؛ ۱ صفر ۱۴۳۴

قال الله تبارک و تعالی: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»^۱ (و کسانی اند که می گویند: پروردگارا، به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان ما باشد و ما را پیشوای پرهیزکاران گردان).

روز تولد مهم ترین روز برای انسان

موضوع صحبت پیرامون بحث خانواده و تربیت اولاد است، بیشترین تربیت انسان از هنگام تولد او تا هنگام مردن او، یعنی در فاصله ای که در این دنیاست، انجام می گیرد. پدر و مادر هم یکی از عوامل مؤثر در تربیت اولاد هستند. لحظه ورود انسان به دنیا یعنی تولد او روز بسیار بزرگی است: «أَكْبَرُ مَا يَكُونُ الْإِنْسَانُ يَوْمَ يُوَلَّدُ»، تعبیرات متعددی در روایت آمده که بزرگترین روزی برای انسان، روز میلاد اوست. در مقابلش امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «أَصْغَرُ مَا يَكُونُ يَوْمَ يَمُوتُ»^۲ کوچکترین روزی که برای انسان هست روز فوت اوست. گرچه معمولاً افراد روز فوت را روز مهمی می دانند، از این جهت که برای اطرافیان روز مصیبت است. برای دیگران و اطرافیان که سابقه پدر را سال ها دیده بودند، مادر را سال ها با او ارتباط داشتند روز فوت خیلی مهم است. روز از دست دادن نعمت بزرگی است. حتی گاهی حوادثی که منجر به فوت پدر یا مادر شده، از یکی چند روز مانده، همه این ها در خاطره ها می ماند و فرزندان در ذهنشان هست که روز چند شنبه بود، صبح یا عصر چه شد، چه بیماری پیدا کرد و لحظه آخر را هم اگر بالین سر شخص متوفی حضور داشتند، خیلی خوب به یاد دارند. آیا فکر می کنید برای خود شخص آن روز، روز مهمی است؟

یک مقایسه بین روز آمدن به این دنیا و روز رفتن از این دنیا بکنید، آن وقت می بینید تعابیر بزرگی را امام صادق (علیه السلام) و امام زین العابدین (علیه السلام) در روایت های گوناگون به ما تعلیم دادند. الآن خود بنده و جنابعالی روز میلادمان مهمتر است یا روز فوتمان؟ روز فوت روز تمام شدن کار و برچیدن سفره اعمال است، دیگر تمام شد. روز میلاد، شروع حیات دنیوی است و با آغاز حیات ما می توانیم کمالاتی را درک کنیم. توجه به این نکته نتیجه اش این می شود که خوب از زندگی دنیایی مان بهره می بریم.

نکته ای که به آن می خواهیم بپردازیم، بحث تربیت خود و فرزندانمان است. یک خانواده باید چه کارهایی را برای تربیت رعایت بکند؟

لحظه ورود به دنیا آغاز اساسی ترین تأثیرات بر تربیت انسان

^۱ فرقان، ۷۴.

^۲ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۹۴.

بحث تأثیر تربیت قبل از انعقاد نطفه مطرح است تا لحظه خود انعقاد نطفه، پس از آن دوران بارداری، سپس روز میلاد شخص. اگر بخواهیم بررسی بکنیم، همه این مراحل روی تربیت مؤثرند منتهی نحوه تأثیرشان یکسان نیست. معلوم است که تأثیر اساسی از آن لحظه ورود شخص به دنیاست. آن لحظه‌ای که انسان تماس حسی با جهان پیدا می‌کند، تأثیرات یک مرتبه چند برابر می‌شود: نگاهی که به اطراف می‌کند، صداهایی که می‌شنود. در رحم مادر هم تأثیرات بود؛ اما به این اندازه نبود. اگر بگویند تأثیر در رحم مادر یک و در دنیا ده است، تعجب نکنید. در دنیا مستقیم چشم دارد می‌بیند و آنچه چشم می‌بیند، روی تربیت شخص تأثیر دارد. به یک انسان صالحی نگاه می‌کند، اثر مثبت روی او می‌گذارد. به درب خانه یک عالم تا چه رسد به چهره عالم نگاه می‌کند، اثر مثبت روی او می‌گذارد و از آن طرف به یک انسان شرور نگاه کند، اثر منفی می‌گذارد و آنچه وابسته به آن شرور است، خانه او باشد، ماشین او باشد، لباس او، کفش او، همه این‌ها اثر منفی می‌گذارد.

اثر وضعی اعمال نسل‌های گذشته بر نطفه

بنابراین حرکت به سوی خدا عمدتاً از بعد از میلاد است؛ اما در عین حال ما نباید مراحل قبل را بی توجه باشیم، مراحل قبل هم تأثیر می‌گذارد. تربیت خود پدر و مادر حتی مقدار اطلاعات علمی آن‌ها روی نطفه اثر می‌گذارد. سیر معنوی آن‌ها، عمل صالحی که انجام دادند، اثر می‌گذارد. عمل ناصالح انجام دهند، باز اثر می‌گذارد. امروزه علم آمده بسیاری از این نکات را کشف کرده و این را اعتراف می‌کند.

مثلاً در روایات گفته شده اگر شخصی یک مقدار شراب استفاده کند، تا هفت نسل آینده او تأثیر می‌گذارد. اگر شما میانگین هر نسلی را ۵۰ سال حساب کنید، با یک حساب سرانگشتی می‌بینید حدوداً ۳۵۰ سال می‌شود! این طور نیست که ما فکر کنیم دنیای محدودی داریم، فقط زمانی که شخص در دنیاست، اثر تربیتی را می‌پذیرد. سه قرن گذشته، چهار قرن گذشته جد پنجم من، هفتم من شرابی را برداشته خورده، اثر منفی روی من می‌گذارد. این به این معنا نیست که من الآن گناهکارم که خیلی‌ها این سؤال را از ما می‌کنند که بالأخره این بچه چه گناهی کرده؟ این را بارها عرض کردم، بچه گناه نکرده. خدای متعال که نمی‌آید این بچه را مؤاخذه بکند بگوید چرا جد تو شراب خورده. صحبت در اثر گذاری است. صحبت در این است که یک جهانی پیوسته داریم، چشممان را باز بکنیم. گناهی که دارم امروز می‌کنم، راه ۳۰۰، ۴۰۰ سال آینده من را دارد کج می‌کند. مؤاخذه مال من می‌شود که دارم روی نسلم تأثیرگذاری می‌کنم. اگر هوشیارم، حواسم جمع است، مؤاخذه می‌شوم و اگر هم هوشیار نباشم، ندانم درکم ضعیف باشد، اثر تکلیفی ندارد اما باز دلیل نمی‌شود که اثر وضعی نداشته باشد. اثر تکلیفی ندارد، یعنی خیلی مؤاخذه نمی‌شود. اثر وضعی دارد، یعنی آن قراردادی که خدا در این جهان تکوین گذاشته این است که این جهان، جهان علت و معلول باشد و هر علتی یک معلولی داشته باشد، پس ایجاد علت یعنی ایجاد معلول. از همین جاست که می‌گوییم اگر کسی علت را ایجاد بکند (در بحث ما یعنی شراب را بخورد)، معلولش حتماً واقع خواهد شد (یعنی اثر منفی شراب بر درک و عقل و سیستم بدن کسی که آن را خورده و همچنین بر نطفه او تا هفت نسل). حالا اگر کسی بگوید من نمی‌دانستم که این مایع شراب است و آن را خوردم، پس نباید اثر بگذارد، این معنایش این است که علت از علیت بیفتد و این حرف نادرست است. این مثل این است که بگوییم من اطلاع نداشتم که اینجا آتش است، پس چون اطلاع نداشتم، آتش نباید بسوزاند. نه، این جهان، جهان علت و معلول است. آتش برای سوزاندن است، بدانم یا ندانم اثر وضعی

آن سوزاندن است؛ اما اگر بدانم و عمداً یک جایی را آتش بزنم، آن وقت تکلیف دارم. آن را اثر تکلیفی می‌گویند؛ یعنی مکلف می‌شوم، مسئولیت پیدا می‌کنم که چرا این کار را کردی؟!

اثر وضعی یک قطره شراب طبق فرمایش امیرالمؤمنین (علیه السلام)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «اگر قطره شرابی در چاهی بیفتد، بعد از این چاه آب بکشند، یک مزرعه‌ای را آبیاری کنند، علف‌هایی در این مزرعه روییده بشود، گله گوسفندی بیاید، حرکت بکند از این علف‌ها استفاده بکند، من از گوشت این گوسفندان استفاده نمی‌کنم!» خوب دقت بکنید، سه تا واسطه خورد.

از ابتدا یک لیوان نبود، فرمودند یک قطره. معلوم است نجاست یک قطره شراب خیلی بالاست. عزیزان داروشناس بیایند این‌ها را کشف بکنند. ما ده، پانزده سال است که داریم به عزیزان می‌گوییم، هنوز کسی ندای ما را جواب نداده؛ اما بالأخره علم کشف خواهد کرد. گفتیم بیایید این را در آزمایشگاه بررسی بکنید، ببینید این شراب چه نجاستی دارد؟ چرا این قدر کثیف است؟! این را با علم روز اثبات بکنید، در اختیار نسل امروز دنیا بگذارید و با افتخار بگویید ۱۴ قرن گذشته مولای ما امیرالمؤمنین (علیه السلام) این‌ها را به ما تعلیم دادند. یک قطره چه اثری گذاشت؟ خب معلوم است قطره در آب چاه حل می‌شود، آب چاه را که نجس نمی‌کند. آب چاه حکم آب گُر را دارد، نجس نمی‌شود؛ اما اثر منفی خودش را دارد، بعد هم که این آب وارد مزرعه می‌شود و در آن پخش می‌شود، باز این قطره اثر منفی خودش را می‌گذارد، بعد نه یک گوسفند، یک گله گوسفند می‌آید رد می‌شود، باز حضرت می‌فرماید اثر دارد. بررسی بکنید ببینید این چیست!

نتیجه می‌گیریم نمو شخص، رشد شخص، چه پدر و چه مادر که سال‌ها گذشته، رسیده تا سن مثلاً سی سالگی این‌ها تمام روی نطفه اثر می‌گذارد، این طور نیست که یک مرتبه من بگویم از امروز عمل صالح انجام بدهیم تا نطفه ما نطفه سالم بشود. سال‌های قبل اثر گذاشته. یک مقدار چشم را باز بکنم می‌بینم پدر من، جد من، جد جد من، هفت پشت من شرابی را میل کرده، هنوز من دارم اثر وضعی اش را می‌گیرم. من مقصر نیستم، اگر عالماً این کار را کرده، او مقصر است. بحث سر تقصیر نیست، بحث سر اثر وضعی است. به این نکات توجه بکنید.

آفرینش ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) از ارحام مطهر و اصلاب شرافتمند

به اهل بیت (علیهم السلام) می‌گوییم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تَلْبَسْكَ مِنْ مُدْلَهَمَاتٍ مِنْ ثِيَابِهَا»^۳ (گواهی می‌دهم که همانا تو نوری بودی در پشت پدرانی بلندمرتبه و رَحِم‌هایی پاکیزه که اوضاع زمان جاهلیت به آلودگی‌هایش آلوده‌ات نکرد و از لباس‌های چرکینش به تو نپوشاند.) این‌ها صحبت خیلی بزرگی است. می‌گوییم شما از صلب‌های بسیار شرافتمند و از رحم‌های پاک به وجود آمدید. یکی پس از دیگری که هیچ کدام مشرک نبودند. «ارحام مطهره» این‌ها یکی پس از دیگری رسید تا شما به وجود آمدید. این‌ها تأثیرگذار است؛ اما در عین حال باز تکرار می‌کنم که هرچه به بحث انعقاد نطفه نزدیک‌تر بشود، معلوم است اثرگذاری شدیدتر می‌شود.

لزوم توجه والدین به خود از یک اربعین قبل از انعقاد نطفه

۳. «فرازی از زیارت اربعین»، مفاتیح الجنان.

و آن چه که الان می توانم خدمتتان بیان بکنم این است که پدران یا مادران حداقل از یک اربعین قبل از انعقاد نطفه، دیگر توجه شان را دقیق بکنند. ما راجع به اربعین ها، دلیل های خاصی داریم. وقتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: «مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً حَرَامٍ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَ لَمْ تُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةٌ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا»^۴ (کسی که لقمه حرام بخورد، نماز چهل شب او قبول نمی شود و دعای چهل روز او به اجابت نمی رسد)، خوب این ها اثراتی است که روی انسان می گذارد. از آن طرف لقمه حلال و عمل صالح روی انسان و نطفه اثر می گذارد.

اینکه گفتم حداقل یک اربعین، چون عرض کردم بسیاری از مطالب به دوران قبل از تولد ما برمی گردد، نسل های گذشته ی ما آن چه که خوردند، اثر گذاشته؛ اما این دلیل نمی شود که انسان خودش را مقهور ببیند، مجبور ببیند و بگوید من کاری نمی توانم بکنم. نه، این را این شاء الله خواهیم گفت. اول بحث هم اشاره کردم. آنجا که گفتم از بدو تولد اثر تربیتی انسان چند برابر می شود، منظورم همین بود. قبل از تولد هر چه اثر بگذارد، اثرش کم است. بیشترین اثر از لحظه ورود به دنیا است. بعد از لحظه ورود باز هر چه درک انسان قوی تر می شود، اثر پذیری اش شدیدتر می شود. معلوم است که یک بچه دو ساله کمتر از اطراف خودش اثر می گیرد تا یک بچه ۶، ۷ ساله. یک مقدار بزرگ تر می شود، همین طور. به من بلوغ که می رسد، دیگر حرکت آغاز می شود.

تأثیر افکار و اعتقادات انسان بر نطفه

منتهی بخواهم یک چیز قابل عمل مطرح بکنم، استدعای بنده از محضران این است که از ۴۰ روز قبل از انعقاد نطفه، عمل صالح را شروع بکنید. وقتی می گویم عمل صالح، یک نکته خاص نیست. عرض کردم مهمترین چیزی که روی انسان اثر می گذارد، افکار و اعتقادات انسان است. معلوم است پدر و مادر نمی توانند در این ۴۰ روز ایمانشان را به یقین برسانند. بالا بردن ایمان سال ها حتی گاهی تا ۲۵ سال ممکن است طول بکشد و شخص که نمی تواند تا آن زمان، اولادداشتن خودش را تأخیر ببیند. چه بسا ممکن است تا آخر عمرش اصلاً به یقین نرسد. ما به ندرت داریم، اصلاً اگر بخواهیم طبق واقعیت حرف بزنیم، باید بگوییم کسی را نداریم که به یقین برسد. خیلی به ندرت؛ یعنی در هزاران نفر ممکن است یک نفر، به شرط اینکه حواسش در زندگی جمع باشد و تلاش بکند، بعد از سال ها به یقین برسد و مسلم است که این یقینش روی بچه اثر می گذارد. اما همه بحث در این نیست که ما آن را در یک نکته خلاصه کنیم. فی الجمله به طور سر بسته عرض می کنم اعتقادات شخص، اینکه چه قدر خدا را قبول دارد، به چه درجه ای از ایمان رسیده، چه قدر خدای واحد و صفاتش را باور کرده، چه قدر قیامت را قبول کرده، نبوت انبیاء و امامت امامان را پذیرفته یا نه و... همه این باورها به نطفه شخص منتقل می شود و روی آن اثر می گذارد. حتی ذخیره های علمی او هم اثر می گذارد. ما معتقدیم نطفه حضرت فاطمه (سلام الله علیها) بعد از بعثت نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) منعقد شد. این نکته خیلی مهمی است که بعثت پیامبر با تمام تأثیر گذاری اش روی وجود شریف پیامبر که در واقع واسطه غیب و شهود بودند، همین نبوت ظاهری، استكمال ظاهری و جسمانی روی نطفه آن حضرت اثر می گذارد. آن وقت دخترشان غیر از فرزندان قبل از بعثتشان هستند. خیلی با هم تفاوت می کند. انسان هم همین طور است. پدر و مادری که هر روز دارند ذخیره علمی می کنند، مطالبی را یاد می گیرند، این مطالب مسلماً به نطفه هایی که در آینده از آن ها به وجود می آید، منتقل خواهد شد.

تأثیر اخلاق والدین بر نطفه

در کنار ایمان، دومین چیزی که در نطفه انسان نقش دارد، اخلاق انسان است؛ مثل حلم، صبر، شجاعت، عفو، گذشت و... . چه قدر این پدر و مادر توانستند روی اخلاق خودشان کار بکنند؟ این اخلاق‌ها به مقداری که برای خودشان خوب است، روی نطفه اثر مثبت می‌گذارد.

برخلافش اگر اخلاق بد داشته باشند، اثر منفی دارد، اثر خودش را می‌گذارد. باز نگوییم بچه چه گناهی کرده. بچه هیچ گناهی ندارد. بحث سر تکلیف نیست، بچه هیچ مسئولیتی از این جهت ندارد. هرچه مسئولیت دارد، روی پدر و مادر است. پدر و مادر فکر نکنند اگر الآن یک دادی زدند، در خانه یک توهینی به همدیگر کردند، تمام شد و رفت. نه، صدا خاموش شد، یک ساعت بعد می‌بینی دیگر جر و بحثی نیست، تمام شد؛ اما اثرش و نقصی که در روح خود پدر و مادر به وجود آورد، هست. روحی که ظرفیت ندارد، تحمل ندارد، روی بچه‌اش اثر دارد.

تأثیر عمل صالح بر نطفه

بعد از عقائد و اخلاق، سومین چیزی که اثر می‌گذارد عمل صالح است. مردم چون عمل صالح برایشان آسان است، تمام توجه‌شان روی این سومی است؛ درحالی که از نظر تأثیرگذاری ضعیف‌تر از اولی و دومی است. عقائد انسان مهم‌تر است. انحرافات فکری، انحرافات سیاسی که زیاد هم در جامعه هست، این‌ها تا بیاید اصلاح بشود، طول می‌کشد. بنده خدا فکر می‌کند که فقط عمل صالح است. آن آسان‌ترینش است و کمترین تأثیر را هم می‌گذارد.

اعمال صالح اثرگذار بر نطفه

در عین حال نمونه‌هایی از عمل صالح را خدمتتان عرض می‌کنم. اگر شخص زحمت بکشد، عجله نکند و در مدت ۴۰ روز این اعمال را انجام بدهد، ان شاء الله نتیجه خوبی می‌گیرد. البته نکاتی که می‌خواهم بگویم، به عنوان نمونه است؛ لذا ذهن مبارکتان را به این نمونه‌ها محدود نکنید.

۱. چهل روز روزه

از نمونه‌های درشت تأثیر گذار این است که انسان ۴۰ روز، روزه بگیرد. اگر این ۴۰ روز را ضمیمه ماه مبارکش هم بکند، خیلی عالی می‌شود. از ایام و لیالی ماه مبارک هم استفاده بکند. می‌دانید آن ایام خیلی نورانی است و در دوره سال نظیر ندارد. آن ۳۰ روز به اضافه ۱۰ روز حالا یا قبلش یا بعدش، این طوری ۴۰ روز انسان روزه بگیرد. این روزه و امساک خیلی از کثافت‌های درون و رذائل روحی و اخلاق‌های بد را از انسان می‌کند، بیرون می‌کند. روزه روح انسان را خیلی نورانی می‌کند، شهوت بی جا را در انسان خیلی ضعیف می‌کند. بسیاری از خواسته‌های نفس با روزه کشته می‌شود. این‌ها اثرات مثبتی است که روزه ایجاد می‌کند. انسان در اثر روزه، تقوا پیدا می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^۱ (ای اهل ایمان، روزه بر شما واجب شد چنان‌که بر امت‌های گذشته واجب شده بود، باشد که پرهیزکار شوید).

۲. نماز اول وقت

سعی کنید در این ۴۰ روز نمازهایتان را اول وقت بخوانید و شب‌هایش را احیا بگیرید. شاید تأثیر نماز اول وقت از روزه گرفتن و احیای شب هم بیشتر باشد، منتهی مردم به این نکته توجه ندارند. اتفاقاً شیطان خیلی وسوسه می‌کند که این اول وقت را از دست انسان بگیرد. گاهی افراد اهمیّت نمی‌دهند، می‌گویند: «حالا من رکعت دوم امام جماعت برسم، مگر چه می‌شود؟» بر سرش نمی‌زند بگوید وای بدبخت شدم، ضرر کردم. اصلاً چیزی‌اش نمی‌شود. خیلی راحت یک ربع، گاهی نیم ساعت از اذان رد شده، متوجه نیست. این‌ها اثر منفی دارد. شیطان خوشحال می‌شود. معمولاً هم افراد در اول وقت، کاری برایشان پیش می‌آید. معلوم است که نقشه شیطان است و می‌آید برایش زینت هم می‌دهد، می‌گوید تو کار داری، اگر بخواهی از ماشین پیاده بشوی، کارت عقب می‌افتد، مصلحت نیست، حالا آن‌جا مسجد می‌روی، برو تا می‌آیی به مقصد برسی چه کن، یک کاری هم برایش ردیف می‌کند: «رَبِّیْنَ لَهُمُ الشَّیْطَانُ اَعْمَالَهُمْ»^۶ (شیطان اعمالشان را برای آن‌ها آراسته و آن‌ها را از راه [راست] بازداشته است)؛ در حالیکه دستور دین این نیست و این ضرر کرد.

این‌ها را عرض می‌کنم که هوشیار باشید و مواظب باشید در این ۴۰ روز یکی از این نمازها عقب نیفتد. گاهی افراد خودشان را جریمه می‌کنند، می‌گویند: «اگر یک روز عقب افتاد، من ۴۰ روز را از نو شروع می‌کنم.» ولو حالا ۲۰ روز، ۳۰ روز مواظب بوده، یک روز صبح اول وقت بیدار نشد، نیم ساعت بعد از اذان بیدار شد، می‌گوید نه دیگر تمام شد، دو مرتبه از نو شروع می‌کند، چه رسد به این که نمازش قضا بشود.

ضرر قضا شدن نماز

امام (علیه‌السلام) به یک شخصی گفتند: «مسافرت نرو». او نمی‌خواست با امام مخالفت بکند؛ اما بنا به دلایلی، تصمیمش را گرفته بود؛ لذا به حرف امام گوش نکرد و رفت. اتفاقاً در آن مسافرت معاملاتی کرد، سود کلانی هم برد. همین‌طور نگران بود که بالأخره این سودها خراب می‌شود، دزد می‌زند، فلان می‌شود؛ چون امام گفته بودند نرو. در فکر بود. تا برگشت، خدمت امام رسید. چون دید پول‌ها که از بین نرفته هیچ، سود کلانی هم کرده، گفت بروم از خود حضرت سؤال بکنم، گفت: «آقا شما قبل از سفر به من نصیحت کردید نروم؛ اما دیگر من مجبور شدم رفتم و بالأخره سود کلانی هم بردم. می‌شود سرّ اینکه فرمودید نرو مسافرت را بفرمایید چه بود؟» می‌خواهد یعنی احترام بگذارد، می‌گوید مجبور شدم مسافرت بروم، نمی‌گوید خودم تصمیم گرفتم! امام (علیه‌السلام) فرمودند: «در طول سفر، در فلان روز نماز صبحت قضا شد. آن روز را یادت هست؟ حالا اگر دنیا را هم سود ببری، ضرری را که از آن روز کردی، نمی‌توانی جبران بکنی. دیگر تمام شد.»

۳. انس با قرآن

دقت کنید ۴۰ روز با قرآن انس بگیرید. مقدارش را به عهده خودتان می‌گذارم؛ اما آنچه مهم است، منظم بودن و مرتب بودنش است؛ مثلاً می‌گویید روزی یک جزء قرآن می‌خوانم، بخوانید؛ اما منظم باشد. اگر یک وقت می‌بینید نامنظم است، نیم جزئش بکنید. باز می‌بیند نامنظم است، ۵ صفحه‌اش بکنید، ۳ صفحه، یک صفحه. انس با قرآن مهم است، بالأخره تمسک به قرآن و عترت که در حدیث ثقلین گفته شده، این یکی اش است.

۴. تمسک و توسل به اهل بیت علیهم السلام

و اما تمسک و توسل به اهل بیت (علیهم السلام) را هم هر روز داشته باشید. روزانه ده دقیقه، یک ربع برای امام حسین (علیه السلام) گریه بکنید. این گریه اثر خیلی مثبتی دارد، هم گناهان را ذوب می‌کند،^۷ روح انسان را شستشو می‌دهد و هم نورانی می‌کند. منتهی مسائل جنبی‌اش را هم نگاه بکنید. حالا جلوی افراد بخواهید گریه بکنید، بعضی‌ها عادت ندارند، ممکن است نسبت‌هایی به شما بدهند. لذا مسائل جنبی‌اش با خودتان که مخفیانه باشد، جلوی کسی نباشد، روضه می‌توانید بخوانید، نوار بگذارید. پس این هم مرتب باشد. اگر این گریه صبح و عصر باشد، نورانی‌تر می‌شود. صبح برای شروع کار و عصر برای زدودن کارهای روزانه و در واقع تاسی به امام زمان (علیه السلام) است که فرمودند: «فَلَا تُدْبِكُ صَبَاحاً وَ مَسَاءً»^۸ هر روز صبح و عصر من برای جدم ندبه می‌کنم.

۵. احترام و احسان زوجین به یکدیگر و به والدین

یکی دیگر از اعمال صالح، احترام و احسان به والدین است. این‌هایی که دارم می‌گویم، خیلی مهم است. رئوسش را دارم می‌گویم؛ چون عمل صالح خیلی داریم. خود زن و شوهر هم باید نسبت به یکدیگر ۴۰ روز کاملاً مواظب باشند، یک مشاجره نداشته باشند، کمال احترام را به هم بگذارند، کمال احسان را به یکدیگر داشته باشند. این که می‌گویم کمال یعنی وقتی زن صدای در را می‌شنود، دیگر در آشپزخانه نماند، رها کند و به استقبال شوهرش برود. کمال در آن است، نه این که بایستد مشغول کارش باشد. دیگر من مثال نمی‌زنم، خلاصه زن نسبت به شوهر و شوهر نسبت به خانم کمال احترام و احسان را داشته باشد.

این‌ها تازه قسم سوم این شد. این عمل صالح تأثیرش از اخلاق کمتر است. اخلاق مهمتر از این‌هاست. کافی است در دل انسان کینه‌ای از یک مؤمن باشد. این‌ها اثر منفی می‌گذارد. بنده خدا باید بروی این کینه را در بیاوری. منتهی راهکار دارد، باید پیش یک عالم برود تا به او می‌گوید چه بکند. کافی است یک حسادت در دلش باشد، یک بدگمانی باشد. اثر اخلاق‌های بد بر روی انسان از گناه بیشتر است. بدتر از اخلاق بد، افکار بد است. کافی است مثلاً بگوید من خدا را ظالم می‌دانم. از این نمونه‌ها داریم. بارها شده است که می‌آیند با هم بحث می‌کنیم. یا بگوید من اعتقاد به ولایت فقیه ندارم. اثر منفی انحراف‌های فکری از عمل و اخلاق بد خیلی بیشتر است. فکر اثرش خیلی بیشتر است. ریشه با اینکه مهم‌ترین جزء درخت است، دیده نمی‌شود. ریشه انسان هم فکر انسان است؛ اما دیدم پدر و مادرها به خصوص در دوران بارداری حواسشان به غذای حلال است و چه بسا در شبانه‌روز اخلاق بد دارد، توجه به این ندارد. افکار انحرافی دارد، توجه به این ندارد و متوجه این نکات نیست. تمام حساسیتش را گذاشته روی لقمه‌ای که حالا یک کسی برایش هدیه آورده است و مرتب می‌آیند از ما سؤال می‌کنند این هدیه را چه بکنیم، این مال این شبهه‌ناک است و... اگر ما رتبه بندی بکنیم، حساسیت‌هایمان را دقت بکنیم، به هر چیزی متناسب خودش اهمیت بدهیم، آن وقت نتیجه خیلی بیشتری خواهیم گرفت.

«الحمد لله رب العالمین»

^۷ رک: بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۵.

^۸ «فرازی از زیارت ناحیه مقدسه»: بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۲۰.

